

فصلنامه علمی- پژوهشی **رہ یافتہ**

سال دهم، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۵
صفحه ۳ تا ۱۸

تخمین جایگاه ایران در سیاست خارجی آمریکا در ۲۰۲۵

سعید طالبی پور / دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی. saeedtalebipoor@yahoo.com

حسنت‌اله فلاحی پیشه / استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی

چکیده

مقاله با هدف بررسی روابط ایران و آمریکا تا سال ۲۰۲۵ میلادی به روش آینده‌پژوهی بر اساس مطالعه روندهای کوتاه مدت و بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و خبرگان با مصاحبه عمیق کیفی بوده و روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها با بهره‌گیری از روش دلفی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر تعداد ۱۵ نفر از خبرگان می‌باشند. تحلیل کلان روندها و پیش‌رانه‌های تحقیق نشان می‌دهد هشت شاخص تعامل در آینده روابط ایران و آمریکا شناسایی شده است. شاخص اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیک ایران، نقش و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در آینده روابط ایران و آمریکا به عنوان مهم‌ترین شاخص تعاملی مطرح است. با تجزیه و تحلیل ماتریس شاخص‌های تقابل روابط ایران و آمریکا، مهم‌ترین شاخص‌ها با وزن معیار مشخص شده عبارت‌اند از: آینده پویای بازیگران مطرح منطقه‌ای، نیازها، تقابلات و منافع راهبردی دو بازیگر با درجه اهمیت، برنامه فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران، استکبار ستیزی و مبانی ایدئولوژیک ایران که بر این اساس فرضیه‌های تحقیق تأیید می‌گردد. لذا روابط ایران و آمریکا تا سال ۲۰۲۵ میلادی ممکن است تحت تأثیر تغییرات نظریه چرخه قدرت، جابجایی قدرت‌ها قرار گرفته و تنش‌زدایی در روابط ایران و آمریکا صورت گیرد.

کلیدواژه: آینده پژوهی، کلان روندها، پیش‌رانه‌ها، روابط ایران و آمریکا، افق چشم انداز ۲۰۲۵.

تاریخ دریافت ۱۳۹۵/۷/۱۱ تاریخ تأیید ۱۳۹۵/۹/۲۸

این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای طالبی پور با عنوان آینده‌پژوهی روابط ایران و آمریکا تا سال ۲۰۲۵ میلادی، می‌باشد.

مقدمه

در دنیای امروز با توجه به پیشرفت‌های خارق‌العاده فناوری و دگرگونی‌های گسترده و بی‌وقفه در شیوه‌های کار و زندگی مردم، سازمان و حتی هیچ فردی بدون آینده‌پژوهی نظام‌مند، نمی‌تواند به ماندگاری و شکوفایی خود در آینده مطمئن باشد. هدف از آینده‌پژوهی، تنها پیش‌بینی آینده نیست، بلکه تلاش برای ساختن آینده‌ای مطلوب و آرمانی است (علیزاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۱).

یکی از مهم‌ترین فرآیندهای زندگی اجتماعی و فردی بشر تصمیم‌گیری است، با این توضیح سیاست هم چیزی جز مجموعه‌ای از تصمیم‌گیری‌های نیست. حال برای درک صحیح و قابل فهم روند تصمیم‌گیری می‌توان با بهره‌گیری از تئوری‌های ارائه شده، میزان صحت و عقلانیت تصمیم‌های سیاست مردم و سیاستمداران را با توجه به شرایط محیطی مورد بررسی قرار داد. از سویی، سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل تبلور تصمیم‌گیری‌های بازیگران نظام بین‌الملل است که تحت این شرایط می‌توان با عنایت به تئوری‌های تصمیم‌گیری، به بررسی محیط کل و پارامترهای تصمیم‌گیری به ارزیابی سیاست خارجی پرداخت. یکی از تصمیمات مهم سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌الملل، چگونگی روابط با آمریکا است.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرتی منطقه‌ای که گرایش به تغییر مناسبات در سطح منطقه خاورمیانه و فرامنطقه دارد، طی سه دهه گذشته توانسته است نقشی مؤثر را در چینش پازل قدرت در سطح منطقه ایفاء کند و در زمینه شکل‌دهی به الگوهای رفتاری برخی بازیگران از جمله جنبش‌های اسلامی، سازمان‌های آزادی‌بخش و حتی برخی دولت و ملت‌های اسلامی عملکرد موفقی داشته است (حق شناس و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۹).

موانع روابط سیاسی ایران و آمریکا، بیش از هر عامل دیگر در وهله اول به استمرار مواضع آمریکا علیه ایران برمی‌گردد. دو دهه تحریم اقتصادی و افزایش دامنه آن، بخصوص در دوران بازسازی کشور، سیاست‌های جانبدارانه و مداخله مستقیم آمریکا در دوران جنگ به نفع عراق، ارائه اتهامات حقوق بشری علیه ایران، درخواست همگرایی از اروپا برای فشار اقتصادی بر ایران، ایجاد گره‌های سیاسی و اقتصادی در مناطق پیرامون ایران، متشنج کردن محیط امنیتی جمهوری اسلامی، حمایت از جنگ رسانه‌ای علیه ایران و ایجاد چتر حمایتی از گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی در خارج از کشور، تأثیر پذیری از سه لابی قدرتمند یهود، عرب مرتجع و نومحافظه کاران جنگ طلب در دولت، راه را برای سیاستمداران که

در عرصه تصمیم‌گیری، درصدد تنش‌زدایی از روابط سیاسی با آمریکا برآید، مسدود ساخته است.

بیان مسئله

خاورمیانه به رغم کاهش اهمیت آن پس از جنگ سرد، بار دیگر در آغاز هزاره سوم به یکی از مهم‌ترین مناطق جهان بدل شد. حضور گسترده نظامی آمریکا و انجام دو جنگ از یک سو و افزایش میزان مصرف انرژی در سال‌های گذشته توسط قدرت‌های نوظهور از جمله چین از سوی دیگر، این منطقه را همچنان در کانون توجه قرار داده است. در همین حال با آغاز جنبش‌های مردمی در کشورهای خاورمیانه و تحولات ساختاری و حکومتی در بسیاری از کشورها، تغییرات در مناسبات و روابط حاکمان با کشورهای خارجی حاضر در منطقه اجتناب‌ناپذیر شده است. این تحولات تأثیراتی مهم را بر نفوذ و نقش ایالات متحده در خاورمیانه بر جای خواهد گذاشت و از جمله اینکه راه را برای نقش‌آفرینی بیشتر قدرت‌های در حال ظهور منطقه‌ای و جهانی فراهم خواهد کرد. با این وجود همه تحولات جهانی منطقه‌ای و شرایط حاکم بر روابط دو جانبه ایران و آمریکا در راستای تداوم تنش میان دو کشور سامان نیافته است. شکل‌گیری شرایط تازه در طول یک دهه گذشته این امکان را فراهم کرده است که موضوعی تحت عنوان آینده پژوهی روابط ایران و آمریکا را در دستور پژوهش و بررسی علمی قرار داد.

کاوش در ماهیت تحولات روابط ایران و آمریکا در سال‌های اخیر و چشم‌انداز مناسبات سیاسی دو کشور در آینده، دارای اهمیت بسیاری است. این سنجش و پیمایش به این منظور است تا چشم‌اندازی درست‌تر از روابط ایران و آمریکا در یک دهه آینده به‌دست دهد تا تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران بهتر بتوانند راهبردهای خود را در این خصوص سامان دهند. ادامه تصمیم‌گیری صرفاً چندین آینده محتمل بر اساس تجارب گذشته، غفلت از رصد تغییرات آتی را در پی خواهد داشت و با ناکامی و شکست روبه‌رو خواهد شد و این ضرورت آینده پژوهی روابط ایران و آمریکا را تا سال ۲۰۲۵ میلادی نشان می‌دهد. با توجه تحولات منطقه‌ای خاورمیانه و حوادث پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۱۱، همچنین مذاکرات هسته‌ای بین ایران و ۶ قدرت جهانی از جمله کشور آمریکا، آینده پژوهشی سیاست خارجی و روابط بین ایران و آمریکا تا سال ۲۰۲۵ (افق ۱۴۰۴) دارای اهمیت فراوانی است.

در شرایط فعلی، تغییرات در همه عرصه‌ها از جمله «روابط بین‌الملل» و «سیاست خارجی» با آهنگی پرشتاب‌تر رخ می‌دهند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۴۳). آینده اساساً دارای عدم قطعیت است که با این همه آثار و رگه‌هایی از اطلاعات و واقعیت‌ها که ریشه در گذشته و اکنون دارند، می‌توانند رهنمون به آینده باشند. ادامه «تصمیم‌گیری صرفاً چندین آینده محتمل بر اساس تجارب گذشته»، غفلت از رصد تغییرات آتی را در پی خواهد داشت و با تلخکامی روبه‌رو خواهد شد. عدم قطعیت نهفته در آینده برای برخی، توجیه‌کننده‌ی نداشتن دوراندیشی آنان است و برای عده‌ای دیگر منبعی گرانبها از فرصت‌ها می‌باشد. شناخت پیشران‌ها و مطالعه روندهای تحولات روابط سیاسی دو کشور ایران و آمریکا، در راستای آینده‌پژوهی و ارائه سناریوهای محتمل و یا ممکن، دارای ضرورت بسیاری است. بنابراین مطالعه در این خصوص و تحقیق و پژوهش در مورد آینده پژوهی روابط ایران و آمریکا تا سال ۲۰۲۵ میلادی دارای ضرورت است. زیرا دستاوردهای این تحقیق می‌تواند در جهت پیشبرد اهداف سیاسی، شناخت دقیق‌تر از شرایط فعلی و آینده پیش‌رو و همچنین روابط بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران و تأثیرگذاری و نقش آفرینی آن در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و رابطه با آمریکا مؤثر باشد.

راهبرد رابطه آمریکا با ایران

از آن‌جا که اندیشمندان راهبردی به عنوان افرادی که تاکنون نگاه خاصی بر مسایل ایران داشته‌اند و تصمیم‌سازی‌های راهبردی هر کدام از منظرهای مختلف توانسته بر دولتمردان تأثیر گذارد و آینده‌های بدیل متفاوتی را نمایان کند، بهتر است مسایل بین‌المللی را قبل از هر چیز از زاویه دید این نظریه‌پردازان بررسی کرد تا بتوان نوع نگرش و میزان مطلوب بودن رخدادهای پیش آمده هنگام رویارویی با ایران را شناخت که منجر به ساخت چشم اندازه‌های متفاوت در روابط و اتخاذ تصمیم‌ها با توجه به تصویرسازی این اندیشمندان شده است تا برای دستیابی به آینده‌های مطلوب و برقراری روابطی مطلوب‌تر با جهان پیرامون، با منافع بیشتر برنامه ریزی کرد (موسسه افق آینده پژوهی راهبردی، ۱۳۹۴).

ارزیابی اندیشمندان از جهان پیرامونی بر پایه جهان بینی و تجربه زیست معنا می‌یابد و این مهم در رویکرد اندیشمندان تصمیم‌ساز آمریکایی به پدیده‌ها و رخدادهای سیاسی ایران، نمود ویژه‌ای یافته است. به عبارت دیگر، جهان بینی نقش مهمی در توصیف و تجویز آینده‌های محتمل و مطلوب اندیشکده‌های آمریکایی در قبال مسایل آینده ایران خواهد

داشت. مهم‌ترین دلیل این امر آن است که مطلوب بودن یک آینده نسبت به آینده دیگر ریشه در ارزش‌های آمریکایی اندیشمندان تصمیم‌ساز آمریکایی دارد.

تعامل یا تداوم تخصص در روابط ایران و آمریکا

هسته اصلی دانش ژئوپلیتیک رقابت قدرت است و بر اساس این رویکرد بازیگران در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... دائماً برای کسب و حفظ قدرت به رقابت با یکدیگر می‌پردازند. از این منظر، چون برقراری روابط ایران و آمریکا موجب کاهش قدرت بازیگری برخی از بازیگران منطقه‌ای و جهانی می‌شود و در واقع از وزن و منزلت ژئوپلیتیکی آنها می‌کاهد لذا به طور علنی یا در خفی با آن مخالفت کرده و تلاش می‌کنند تا جایی که در توان دارند مانع از برقراری این روابط شوند. به عبارت دقیق‌تر، روابط ایران و آمریکا یک معادله پیچیده چند وجهی است که متغیرها و بازیگران مختلفی در آن به ایفای نقش می‌پردازند و از اینرو به اعتقاد نگارنده، دو طرف مذاکره در راستای بهبود روابط با چالش‌ها و موانع اساسی در سطح داخلی، منطقه‌ای و جهانی روبرو خواهند بود و از اینرو انتظار نمی‌رود در آینده‌ای نزدیک بتوانیم شاهد برقراری روابط یا حتی کاهش تقابل بین دو کشور باشیم (زرقانی، ۱۳۹۲: ۳۶).

در سطح منطقه‌ای، بیشتر کشورهای همسایه که برخی از آنها رقیب ژئوپلیتیک ایران محسوب می‌شوند مخالف عادی سازی روابط ایران و آمریکا هستند. واقعیت این است که برخلاف ایران بیشتر کشورهای همسایه به خصوص در شمال و جنوب از نظر سیاسی نو پا محسوب می‌شوند و به دلیل ضعف قدرت ملی توانایی ایفای نقش مستقل فراملی را ندارند. حال در صورتی که روابط دو کشور ایران و آمریکا بهبود یابد دلیلی برای حمایت آمریکا از این کشورها در تقابل با ایران وجود ندارد. هر چند منافع آمریکا و غرب در حوزه ژئوپلیتیک انرژی و... موجب تداوم حضور این کشور در منطقه خواهد بود اما ماهیت بازیگری اینگونه کشورها دچار تحول اساسی شده و از طرفی وزن و منزلت ژئوپلیتیکی ایران روزافزون می‌شود و این همان تهدید جدی است که موجب نگرانی سران این کشورها شده و آنها را به تکاپو انداخته است تا به هر نحو ممکن مانع از بهبود و عادی سازی این روابط شوند. این وضعیت برای سایر کشورهای منطقه همچون مصر، ترکیه، پاکستان، ترکمنستان و... نیز تا حد زیادی صدق می‌کند (زرقانی، ۱۳۹۲: ۳۸).

در این بین به نظر می‌رسد رژیم اشغالگر صهیونیستی مهم‌ترین مخالف بهبود روابط دو کشور ایران و آمریکا در سطح منطقه محسوب می‌شود. رژیم صهیونیستی که عملکردش

در طی شش دهه گذشته نشان از ماهیت و خوی تجاوز طلبی و جنگ افروزی آن دارد، در طی سال‌های اخیر و به ویژه بعد از وقوع انقلاب اسلامی در ایران همواره با مظلوم‌نمایی خود را در معرض خطر و تهدید جهان اسلام معرفی کرده است و از این‌رو هر ساله کمک‌های فراوان مالی، تجهیزاتی، اطلاعاتی را از آمریکا دریافت کرده است. از این‌رو این رژیم نگران بهبود روابط دو کشور ایران و آمریکا است که از یکسو موجب کاهش احتمالی سطح کمک‌های آمریکا خواهد گردید و از سوی دیگر با افزایش قدرت منطقه‌ای ایران به طور طبیعی قدرت بازیگری این کشور در منطقه کاهش خواهد یافت. دقیقاً به همین دلیل است که اسرائیل و به ویژه لابی قدرتمند آپیک در آمریکا به شدت مخالف بهبود روابط دو کشور ایران و آمریکا است، از این‌رو تمام تلاش خود را به کار خواهد بست تا مانع از بهبود یا برقراری این روابط شود.

روش تحقیق

یکی از روش‌های متداول آینده‌پژوهی، مطالعه روندهای کوتاه مدت پیش رو با بهره‌گیری از نظرات کارشناسان است. بر همین اساس، تحقیق حاضر به لحاظ روش اجرا از جمله مطالعات کیفی - اسنادی به شمار می‌آید، زیرا برای تحلیل اطلاعات به دست آمده از روش آینده‌پژوهی استفاده شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات شامل مصاحبه عمیق کیفی می‌باشد. بدین ترتیب که ابتدا بر اساس مبانی نظری و گزارشات و مدارک موجود سؤالاتی در خصوص موضوع مورد بحث مطرح شد و از صاحب‌نظران و متخصصین در امور خاورمیانه و سیاست اسلامی پرسیده می‌شود. پس از جمع‌آوری پاسخ‌های داده شده، با تحلیل این اطلاعات گردآوری شده به روش دلفی به تنظیم سؤالات در قالب پرسشنامه دوم پرداخته خواهد شد. مجدداً این سؤالات از صاحب‌نظران پرسیده شده و پس از جمع‌آوری اطلاعات و نظرات ایشان با استفاده از روش تحلیل محتوا و استناد به مدارک و اسناد موجود به تحلیل اطلاعات گردآوری شده پرداخته و در نهایت نظریه نهایی ارائه خواهد شد.

این مرحله شامل مصاحبه با خبرگان و صاحب‌نظران پژوهش است. در این نوع مصاحبه، مصاحبه‌کننده داده‌ها را از اشخاصی جمع‌آوری می‌کند که دانش یا دیدگاه ویژه‌ای دارند که از طریق دیگران قابل حصول نیست (گال و همکاران، ۱۳۸۳: ۵۲۴). جامعه آماری (N) در تحقیق حاضر شامل سفیران، اساتید و خبرگان علوم سیاسی، مطالعات راهبردی، روابط بین‌الملل، کارشناسان منطقه خاورمیانه و آینده‌پژوهی می‌باشند. با توجه به روش تحقیق

دلفی و کیفی؛ حجم نمونه (n) برابر ۱۵ خبره بوده و با توجه به عدم شناسایی متخصصین، خبرگان به روش نمونه گیری گلوله برفی انتخاب شده‌اند.

تحلیل جامعه شناختی تحقیق

جامعه آماری پژوهش شامل سفیران، اساتید و خبرگان علوم سیاسی، مطالعات راهبردی، روابط بین‌الملل، کارشناسان منطقه خاورمیانه و آینده پژوهی هستند. در این قسمت به تجزیه و تحلیل جامعه آماری با توجه به فراوانی‌های مطلق و نسبی متغیرهای جنسیتی، سنی و تحصیلی و نمونه‌های مورد مطالعه و خبرگان پرداخته می‌شود. در جدول شماره ۱، سابقه کاری خبرگان تحقیق مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است.

جدول ۱: تجزیه و تحلیل سابقه کاری خبرگان تحقیق

متغیر	گروه	تعداد تکرار	درصد فراوانی
سابقه کاری	بین ۱۰ تا ۱۵ سال	۲	٪ ۱۳,۲
	بین ۱۶ تا ۲۰ سال	۵	٪ ۳۳,۴
	بین ۲۱ تا ۳۰ سال	۵	٪ ۳۳,۴
	بیش از ۳۱ سال	۳	٪ ۲۰
	مجموع	۱۵	٪ ۱۰۰

با توجه به یافته‌های تحقیق در جدول شماره ۱ مشخص می‌گردد که بیشترین سابقه کاری مخاطبین این تحقیق را با محدوده ۱۶ تا ۲۰ و همچنین ۲۱ تا ۳۰ سال با میزان فراوانی هر گروه برابر ۵ مورد می‌باشد، خبرگان با سابقه کاری بیش از ۳۱ سال با میزان فراوانی ۳ موردی می‌باشند و در رتبه بعدی نیز خبرگان با میزان سابقه کاری ۱۰ تا ۱۵ سال با فراوانی ۲ مورد گزارش شده است.

پیشران‌های آینده روابط ایران و آمریکا

تئوریسین‌ها و دولتمردان ایالات متحده آمریکا چهار موضوع «امنیت عرضه انرژی»، «مبارزه با تروریسم»، «جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی» و «حفظ موجودیت رژیم صهیونیستی» را به عنوان مهم‌ترین اهداف خود در منطقه غرب آسیا معرفی می‌کنند. البته به ادعای آمریکایی‌ها هدف نهایی آن‌ها در منطقه، ترویج دموکراسی و دستیابی به اقتصاد آزاد است که تحقق آن در گرو دستیابی به هر یک از این چهار هدف است. به

عنوان مثال گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، خطر تروریسم را افزایش داده و این موضوع نیز به نوبه خود بر امنیت انرژی و حفظ امنیت رژیم صهیونیستی مؤثر بوده است. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان بزرگ‌ترین کشور شیعی جهان و یکی از کشورهای قدرتمند غرب آسیا و منطقه خاورمیانه، حمایت از جبهه مقاومت و نابودی رژیم صهیونیستی را به عنوان مهم‌ترین اهداف خود در منطقه دنبال می‌کند. با این حال به رغم تضاد ساختاری منافع ایران و آمریکا در منطقه وجود برخی ویژگی‌های ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و همچنین چالش‌های مشترک، این دو کشور را در برخی موارد ناگزیر به تعامل با یکدیگر کرده است. موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران جایگاه ممتازی به این کشور در غرب آسیا داده است که از چند منظر برای آمریکا مهم است. ایران به عنوان یکی از ذخایر بزرگ انرژی جهان، یکی از اصلی‌ترین تأمین‌کنندگان انرژی چین و قدرت‌های نوظهور جنوب آسیا است. از سوی دیگر با توجه به اهمیت راهبردی آسیای مرکزی برای فشار بر روسیه و چین، آمریکا همواره در پی آن بوده تا از طریق ایران، نفوذ خود در منطقه را افزایش دهد.

پیشران دیگر، نفوذ سنتی ایران در عراق، یمن، سوریه و لبنان است، بنابراین آمریکا برای حل بحران‌های منطقه‌ای به همکاری با ایران نیاز دارد. همچنین جذابیت‌های بازار بزرگ ایران انگیزه‌های اقتصادی شرکت‌های آمریکایی را برای نفوذ اقتصادی در ایران افزایش داده است؛ از این رو در صورت برقراری روابط دو طرفه، نوسازی و تجهیز طرح‌های نفتی و دیگر صنایع بالادستی ایران، بازار بزرگی را در اختیار شرکت‌های آمریکایی قرار خواهد داد. پیشران دیگر در آینده روابط ایران و آمریکا، نیازهای امنیتی دو طرف است که با توجه به وجود بحران در عراق، سوریه، یمن، گروه تروریستی داعش و دیگر کشورهای شمال آفریقا؛ آمریکا چاره‌ای جز همکاری با ایران برای پایان دادن به این بحران‌ها ندارد و همین موضوع نگرانی اعراب به ویژه عربستان را از احتمال نزدیکی مواضع ایران و آمریکا برانگیخته است. بر اساس مبانی نظری تحقیق و تحلیل روندهای پژوهش؛ با برگزاری پانل خبرگان و مصاحبه کیفی با ایشان، پیشران‌های تأثیرگذار در روابط جمهوری اسلامی ایران و آمریکا به شرح زیر مشخص شده‌اند:

-اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیک ایران؛

-انزوای استراتژیک ایران؛

-برآورد ایران از احتمال وقوع برخورد نظامی؛

- نیاز ایران برای دسترسی به دانش و فناوری نوین؛
- برنامه فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران؛
- مسائل حقوق بشر و مبانی ایدئولوژیک؛
- روابط ایران با محور مقاومت؛
- سطح روابط ایران با روسیه و چین؛
- نقش و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران.

تحلیل فرضیه اول تحقیق

سؤال اول فرعی مطرح شده عبارت است از: مهم‌ترین شاخص‌های تعامل در روابط ایران و آمریکا در افق ۱۴۰۴ (۲۰۲۵م) کدام‌ها خواهند بود؟

در پاسخ به این سؤال، فرضیه مطرح شده به شرح زیر می‌باشد: «مؤلفه‌های متعددی در روابط ایران و آمریکا وجود دارد؛ از جمله همکاری در مقابله با بحران‌های منطقه‌ای، به‌ویژه پس از توافقات هسته‌ای که البته این تعامل مبتنی بر نفوذ در ایران است». با توجه به تجزیه و تحلیل ماتریس پیشران‌های آینده روابط دو کشور، شاخص‌های تعامل در روابط ایران و آمریکا به شرح زیر می‌باشد:

بر اساس تجزیه و تحلیل به دست آمده، تعداد هشت شاخص تعامل در آینده روابط ایران و آمریکا شناسایی شده که درجه اهمیت هر شاخص بر اساس روش دلفی با وزن معیار و مصاحبه با خبرگان مورد محاسبه و سنجش قرار گرفته است. مطابق نمودار و هیستوگرام زیر، شاخص اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیک ایران؛ نقش و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در آینده روابط ایران و آمریکا می‌تواند به عنوان مهم‌ترین شاخص تعاملی مطرح شود.

- اهمیت و جایگاه ژئوپلیتیک ایران؛ نقش و نفوذ منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران با درجه اهمیت ۰,۵۸۵

- تحولات مختلف در ساختار و نظم منطقه‌ای و بین‌المللی با درجه اهمیت ۰,۵۸۱

- مبارزه با تروریسم و برقراری صلح خاورمیانه با درجه اهمیت ۰,۵۷۳

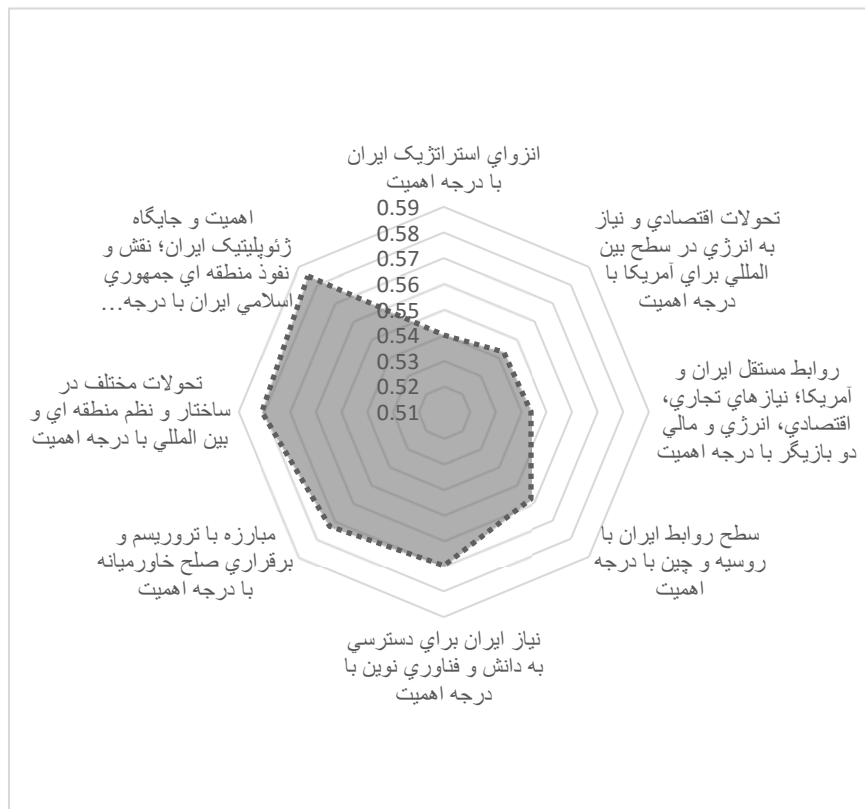
- نیاز ایران برای دسترسی به دانش و فناوری نوین با درجه اهمیت ۰,۵۷

- سطح روابط ایران با روسیه و چین با درجه اهمیت ۰,۵۵۸

- روابط مستقل ایران و آمریکا؛ نیازهای تجاری، اقتصادی، انرژی و مالی دو بازیگر با درجه

اهمیت ۰,۵۴۴

- تحولات اقتصادی و نیاز به انرژی در سطح بین‌المللی برای آمریکا با درجه اهمیت ۰,۵۴۳
- انزوای استراتژیک ایران با درجه اهمیت ۰,۵۴



نمودار ۱: رتبه‌بندی شاخص‌های تعامل در روابط ایران و آمریکا

تجزیه و تحلیل یافته‌ها و کلان‌روندها نشان می‌دهد هر یک از طرفین ایران و آمریکا از عادی‌سازی روابط اهدافی را پیگیری می‌کنند. اهداف اعلامی ایران از مذاکره با آمریکا، که در توافق هسته‌ای (برجام) به روش‌های گوناگون بیان شده است، شامل رفع تحریم‌ها، ادامه فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز، آزاد شدن پول‌های بلوکه شده ایران و... می‌باشد. در مقابل اهداف آمریکا از عادی‌سازی روابط با ایران را می‌توان در گزیده‌ای از راهبرد امنیت ملی آمریکا (منتشر شده در می ۲۰۱۰) مشاهده نمود.

با توجه به تفاوت ماهیت اهداف طرفین، پیش‌بینی می‌شود که روابط دو کشور در آینده نزدیک (تا سال ۲۰۲۵) در ادامه با مشکلات اساسی روبه‌رو گردد. این مسئله با توجه به

اهمیت وزنی ماتریس شاخص‌های تعاملی در مقابل اهمیت وزنی شاخص‌های تقابلی آشکار می‌گردد. بنابراین فرضیه شماره یک پژوهش یعنی «مؤلفه‌های متعددی در روابط ایران و آمریکا وجود دارد؛ از جمله همکاری در مقابله با بحران‌های منطقه‌ای، به‌ویژه پس از توافقات هسته‌ای که البته این تعامل مبتنی بر نفوذ در ایران است.» مورد تأیید قرار می‌گیرد.

تحلیل فرضیه دوم

فرضیه شماره ۲ تحقیق در مقابل سؤال شماره ۲ یعنی: «مهم‌ترین شاخص‌های تقابل در روابط ایران و آمریکا در افق ۱۴۰۴ (۲۰۲۵م) کدام‌ها خواهند بود؟ به شکل زیر مطرح شده است: «ایفای نقش متحدان منطقه‌ای آمریکا و پرونده‌های اختلاف مالی میان آمریکا و ایران، حقوق بشر، تروریسم، مهم‌ترین مؤلفه‌های تقابلی در روابط دو کشور را تشکیل می‌دهد.»

- آینده پویای بازیگران مطرح منطقه‌ای؛ نیازها، تقابلات و منافع راهبردی دو بازیگر با درجه اهمیت ۰,۶۸۶

- برنامه فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران با درجه اهمیت ۰,۶۶

- استکبار ستیزی و مبانی ایدئولوژیک ایران با درجه اهمیت ۰,۶۱

- آینده روابط و موجودیت اسرائیل با درجه اهمیت ۰,۶۰۷

- کنترل ایران بر منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز و حضور آمریکا در خلیج فارس با درجه اهمیت ۰,۶۰۶

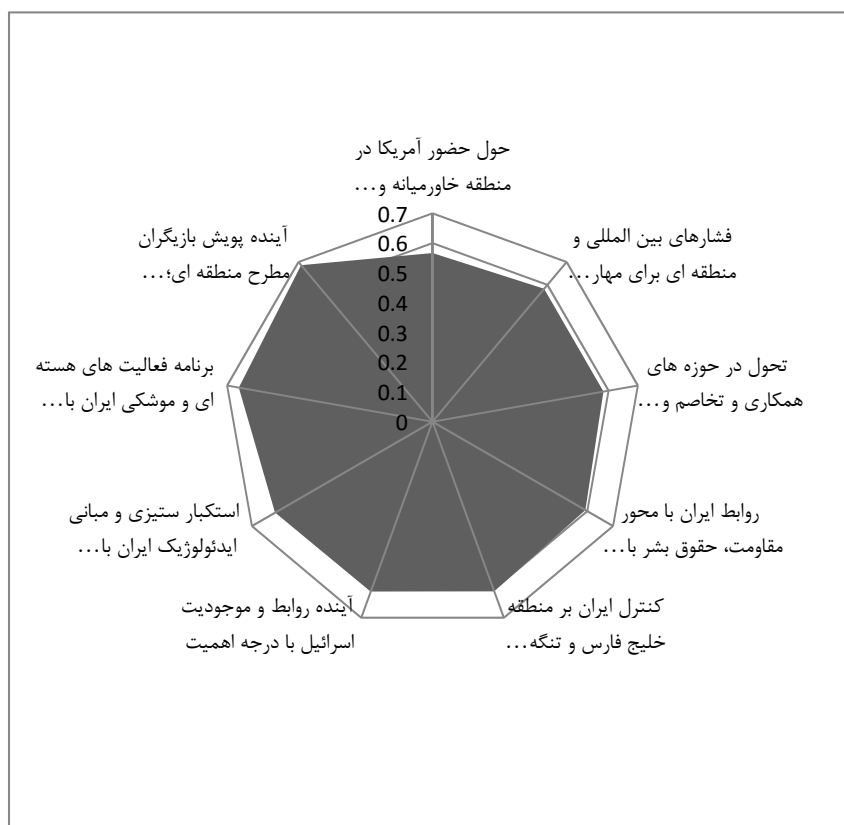
- روابط ایران با محور مقاومت، حقوق بشر با درجه اهمیت ۰,۵۹۳

- تحول در حوزه‌های همکاری و تخصص و آینده ترتیبات و ائتلاف‌های منطقه‌ای با درجه اهمیت ۰,۵۸۳

- فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای برای مهار افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه با درجه اهمیت ۰,۵۸۳

- تحول حضور آمریکا در منطقه خاورمیانه و نقش کشورهای عربی در تنظیم روابط دو طرف با درجه اهمیت ۰,۵۶۶

بر اساس تجزیه و تحلیل ماتریس شاخص‌های تقابل روابط ایران و آمریکا؛ ضمن بهره‌مندی از روش کیفی و دلفی و مصاحبه خبرگان، مهم‌ترین شاخص‌ها با وزن معیار مشخص شده در جدول بالا عبارت‌اند از: آینده پویش بازیگران مطرح منطقه‌ای؛ نیازها، تقابلات و منافع راهبردی دو بازیگر با درجه اهمیت، برنامه فعالیت‌های هسته‌ای و موشکی ایران، استکبار ستیزی و مبانی ایدئولوژیک ایران و... که نتایج به دست آمده با فرضیه دوم تحقیق کاملاً همخوانی و مطابقت دارد. نمودار و هیستوگرام زیر، مقادیر وزن معیار برای هر کدام از شاخص‌ها و پیش‌ران‌های آینده روابط ایران و آمریکا را بر اساس نظرات خبرگان پژوهش نشان می‌دهد.



نمودار ۲: رتبه بندی شاخص‌های تقابل در روابط ایران و آمریکا

تحلیل روند روابط ایران و آمریکا نشان می‌دهد روابط دو کشور و بررسی پیشران‌های آینده روابط دو کنشگر و شاخص‌های تقابل، فرض اینکه عادی‌سازی روابط ایران و آمریکا، می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران یک موفقیت تلقی شود، نشأت گرفته از یک نگاه نادرست است. این مهم در صورت ایجاد محیط و شرایط لازم برای نیل به اهداف عالی کشور می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. قبل از اینکه درباره موفقیت‌آمیز بودن این استراتژی اظهار نظر شود، بهتر است نکات زیر مورد توجه قرار گیرد.

- تغییر استراتژی تخصیص به تعامل با ایران توسط غرب ناشی از تغییر اهداف ایالات متحده نیست بلکه تغییر در ابزار، روش‌ها و محیط بازی در مواجهه با ایران است.

- تغییر استراتژی آمریکا در قبال ایران و پذیرش آن توسط کشور را نمی‌توان نشانه شکست غرب و پیروزی ایران دانست. زیرا بر اساس مطالب ذکر شده در بالا، استراتژی تخصیص با ایران برای ایالات متحده ناکارا و ادامه آن زیانبار و غیرعقلایی است. در مقابل، با توجه به آثار مخرب این استراتژی برای ایران، نمی‌توان از آثار و نتایج مثبت آن چشم‌پوشی کرد.

ایران در راستای جلب منافع حاصل از اتخاذ رویکردی چون مقاومت در مقابل رویکرد مستکبرانه و سلطه جویانه آمریکا باید صبر خود را افزون کند، در غیر این صورت، هزینه‌ای پرداخت کرده بدون اینکه منافی کسب کرده باشد. اگر فرض کنیم که راهبرد عادی‌سازی روابط ایران با غرب نتیجه رویکرد مقاومت است، همچنان نمی‌توان شرایط و لوازم متناسب کاربست این راهبرد را نادیده گرفت. یکی از شرایط مذکور مواجهه ایران با ایالات متحده آمریکا است که بعد از جنگ جهانی دوم تجربه‌های متعددی در حوزه مذاکره و دیپلماسی فعال با اکثر کشورهای جهان داشته است.

شاخص‌ها نشان می‌دهند روابط بین دو کشور تنها در سطح اصطکاک عمیق سیاسی نیست، بلکه تقابل و تنازع بین دو کنشگر در اعماق گفتمانی و ایدئولوژیک نهفته است. دو جهان بینی و دو گفتمان با رویکردهای ایدئولوژیک در قالب‌های متفاوتی روبه‌روست. در تحلیل شاخص‌های تقابلی، ایران پرچمدار ایدئولوژی اسلامی بر گرفته از آموزه‌های مذهب تشیع و آمریکا پرچمدار لیبرال دموکراسی و سکولاریسم است. این تفاوت و تضاد ایدئولوژیک در عرصه‌های گوناگون، در سیاست خارجی نمود یافته و آینده روابط دو کشور را نیز تحت شعاع و تأثیر قرار می‌دهد، به شکلی که روابط را به سطوح تقابلی و می‌کشاند. در حالی که جمهوری اسلامی ایران ضمن حمایت از جبهه مقاومت، نسبت به

آرمان‌های آزادی خواهانه و مقابله با استکبار گام برمی‌دارد، ایالات متحده آمریکا به دنبال دموکراسی و هژمونی خود در جهان است.

بنابراین، با توجه به برآینده تحلیل شاخص‌ها و پیش‌شران‌های تقابل در روابط ایران و آمریکا، فرضیه شماره ۲ فرعی پژوهش یعنی: «ایفای نقش متحدان منطقه‌ای آمریکا و پرونده‌های اختلاف مالی میان آمریکا و ایران، حقوق بشر، تروریسم، مهم‌ترین مؤلفه‌های تقابلی در روابط دو کشور را تشکیل می‌دهد.» مورد تأیید قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه کلان روندها نشان می‌دهد روابط ایران و آمریکا از سال ۱۹۷۹ میلادی در شرایط رقابت و منازعه قرار داشته است. بر این اساس، همواره نشانه‌هایی از جنگ سرد و صلح سرد در روابط ایران و آمریکا وجود داشته و چنین نشانه‌هایی به‌عنوان عامل و نیروی تأثیرگذار در محیط منطقه‌ای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

سناریوهای مطرح در روابط جمهوری اسلامی ایران به شرح ذیل می‌باشد:

۱- سناریوهای محتمل: یکی از سناریوهای آمریکا بر مبنای استراتژی تعاملی در سطح منطقه می‌باشد که مورد توجه است، پیش‌شران‌های متعددی در این سناریو مطرح است؛ از جمله نفوذ که در دو سطح داخلی و منطقه‌ای ترسیم شده است. سیاست دیگر تعامل تجاری و اقتصادی با ایران که این سیاست‌ها ایران را تحت نُرْم‌های بین‌المللی قرار داده و محدودیت‌های رفتاری ایجاد می‌کند که با توجه به شکل‌گیری بحران‌های درونی در دل راهبردهای منطقه‌ای رژیم صهیونیستی و کشورهای مرتجع عربی پروژه ایران هراسی را نیز دنبال می‌کنند.

۲- سناریو ممکن: روابط ایران و آمریکا تا سال ۲۰۲۵ میلادی ممکن است تحت تأثیر تغییرات نظریه چرخه قدرت، جایجایی قدرت‌ها قرار گیرد که بر این اساس باعث می‌شود:

- تنش‌زدایی در روابط ایران، آمریکا و غرب صورت گیرد.
- نزدیک شدن ایران به چین و روسیه و تا حدودی اتحاد استراتژیک به‌وجود آید و برقراری روابط گسترده اقتصادی و نظامی شکل گیرد.
- استقلال ایران بدون داشتن هیچ‌گونه اتحاد استراتژیک با قدرت‌های جهانی در حد روابط مختلف دو جانبه و همکاری باقی بماند.

۳- سناریو مطلوب: با توجه به تحولات جهانی و منطقه‌ای و شرایط حاکم بر روابط دو جانبه ایران و آمریکا و افزایش قدرت جمهوری اسلامی به ویژه در منطقه و ناکارآمدی

مهار آن توسط غرب و از جهتی تعدیل چالش هسته‌ای ایران و نقش پر قدرت کشورهای نو ظهور در منطقه و توجه آمریکا در آینده به سمت خاور دور، پیش‌بینی می‌شود آمریکا در روابط خود با ایران سیاست تنش‌زدایی را در پیش گیرد و بیشترین اختلافات ایران و آمریکا در حوزه مسائلی چون حقوق بشر، تروریسم و مانند اینها باشد.

نتایج به‌دست آمده از تحلیل کلان روندها نشان می‌دهد؛ سیاست هسته‌ای ایران تابعی از نیازهای راهبردی جمهوری اسلامی و ضرورت‌های امنیت جهانی در سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. روندهای قدرت‌سازی در ایران همواره براساس محدودیت‌های نظام جهانی شکل گرفته است. قدرت و امنیت را باید به عنوان دو موضوع در هم تنیده سرنوشت ملی هر کشوری از جمله ایران دانست. بنابراین، فرایندهای سیاست هسته‌ای ایران را می‌توان به عنوان نمادی از قدرت‌سازی در شرایط محدودیت‌های بین‌المللی دانست.

ایران و آمریکا بیشترین منافع مشترک را در عراق دارند که شامل مسائل ژئوپولیتیک، تثبیت و حمایت از حکومتی شیعی در عراق و بسیاری مسائل دیگر می‌شود. پیشران تضاد راهبردی موجود و مسئله تثبیت نقش‌ها در منطقه برای آینده روابط دو کشور بسیار حایز اهمیت است، زیرا آنچه برای آمریکا افزایش امنیت می‌باشد، هم‌زمان برای ایران کاهش امنیت تلقی می‌شود. مرور روابط پُر فراز و فرود ایران و آمریکا پس از انقلاب، ما را به این نتیجه رهنمون می‌کند که به‌رغم رویکرد تهاجمی آمریکا، این کشور به‌خوبی به اهمیت رابطه با ایران واقف بوده و در مواقع بحرانی نیز به دنبال همکاری‌های مؤثر بوده است.

اگر چه ایران کشوری منحصر به فرد در نظام بین‌المللی است، اما تشابهات و تفاوت‌هایی نیز با برخی از واحدهای سیاسی دیگر دارد. در این میان سیاستمداران ایرانی باید تصمیم گرفته و تعادلی میان حفظ هویت مستقل و انقلابی خود و بهره‌برداری از مزایای رابطه با جهان پیرامونی ایجاد کنند. در این شرایط شاید بتوان برای مثال با اتخاذ الگویی شبیه به برزیل، ایران را قدرت مسلط غرب آسیا دانسته و حتی راهبرد کلان دیگر نظام‌های همسایه را نیز شکل داد. بر همین اساس و با تحلیل روندهای فعلی و گذشته و بررسی پیشران‌های مؤثر بر آینده روابط ایران و آمریکا، شکل‌گیری روابط و عادی‌سازی آن بین دو کشور تا سال ۲۰۲۵ دور از ذهن پیش‌بینی می‌گردد.

منابع و مأخذ:

- استیو، اسمیت؛ بیلیس، جان (۱۳۸۱). **جهانی شدن سیاست**، ترجمه گروه مترجمین، تهران: ابرار معاصر.
- جلالی بارنجی، محمدرضا (۱۳۸۹). تحلیل تصمیم‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس مدل پیش‌تئوری روزنا، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، شماره ۵۷.
- حق‌شناس، محمدرضا (۱۳۹۲). مواضع و عملکرد بازیگران مختلف در قبال بحران سوریه، **ماه نگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی**، شماره ۱۸.
- خانی، حسین (۱۳۹۳). **امت‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: تطبیق دکترین‌های ام‌القرای و تعامل فزاینده**، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست. دوره ۲، شماره ۸ بهار ۱۳۹۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۹۱). **سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: سمت.
- زرقانی، سید هادی (۱۳۹۲). **تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و آمریکا، یک معادله چند مجهولی**، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح IPSC.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۶). **ژئوپلیتیک**، تهران: سمت، چاپ هفتم.
- عطایی، فرهاد و رسولی نائی آبادی، الهام (۱۳۸۹). بررسی نقش و جایگاه سیاست خارجی در نظریه‌های روابط بین‌الملل، **فصلنامه سیاست**، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۳.
- علیزاده، عزیز؛ وحیدی‌مطلق، وحید و ناظمی، امیر (۱۳۸۹). **سناریوتگاری یا برنامه‌ریزی بر پایه سناریوها**، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی.
- گال، مردیت؛ والتر، بورگ و جویس گال (۱۳۸۳). **روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی**، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران، تهران: سمت و دانشگاه شهید بهشتی.
- موسسه افق آینده پژوهی راهبردی (۱۳۹۴). **جایگاه ایران آینده در نظم خیالی آمریکایی، ماهنامه آینده‌پژوهی**، شماره ۲۱.
- Baharcicek, Abdulghadir; "Psychological Environment of Foreign Policy Making"; **Turkish Foreign Policy Quarterly**; Vol. 26, November 2001, Pp. 1-6.
- Cottam, Martha L.; **Foreign Policy Decision Making: The Influence of Cognition**; Boulder: Westview Press, 1986, P. 50.
- Crikemans, David, 2009, **Where 'geopolitics' and 'foreign policy analysis' once met: the work of Harold and Margaret Sprout and its continued relevance today** September.
- Gadai, S. & Jeansoulin, R. (2013) **Borders, frontiers and limits: some computational concepts beyond words**, formalisation sémantique.
- Katzman, Kenneth, "US-Iranian Relation: An Analytic Compendium of US Policies. Law and Regulations", Dec, 1999.
- Morgenthau, Hans; **Politics Among Nations**; 4th edition, New York: 1970, P. 185.
- Wolfe, James H. & Theodore Couloumis; **Introduction to International Relations: Power and Justice**; New Jersey: Prentice-Hall, 1990, P. 430.